



حجت الاسلام والمسلمین حسین انزلی‌نهی
نقال فرشتی

یکی از موضوعاتی که در معارف دینی ما بسیار به آن پرداخته شده است، اهمیت زن و مادر و تأثیر چشمگیر او بر تربیت فرزندان و رشد انسان‌های بزرگ است. تاجایی‌که نقش مادر را بیشتر از پدر در این عرصه قلمداد کرده‌اند. امام خمینی ^(ع) می‌فرماید: «مادر خوب، بچه خوب تربیت می‌کند و خدای نخواستہ اگر مادر منحرف باشد، بچه از همان دامن مادر منحرف بیرون می‌آید؛ چون بچه‌ها آن علاقه‌ای که به مادر دارند، به هیچ کسی ندارند و در دامن مادر که هستند، تمام چیزهایی که دارند، آرزوهایی که دارند، خلاصه می‌شود در مادر و همه چیز را در مادر می‌بینند».

در احادیث ما از همان ابتدا بیان شده است که اگر فرزند صالح و نیکومی خواهید، با خانواده‌های باصالت و زنان عفیف ازدواج کنید؛ چنان‌که امام صادق ^(ع) می‌فرماید: «با خانواده‌ای شایسته و اصیل ازدواج کنید؛ زیرا ریشه‌ها به نسل، سرایت می‌کند». امام‌رضا^(ع) نیز می‌فرماید: «خوشباه حال فردی که مادرش باعفت‌و پاکدامن است!».

همچنین یکی از عواملی که در شخصیت و تربیت فرزند بسیار مؤثر است، شیر مادر و لقمه حلالی است که درباره آن نبیذستورها و حکایات‌های فراوانی وجود دارد. ملا محمدتقی مجلسی از علمای بزرگ اسلام است. وی در تربیت فرزندش، اهتمام فراوان داشت و به حرام و حلال، دقت فراوان نشان می‌داد تا مبادا گوشت و پوست فرزندش با مال حرام رشد کند.

محمدباقر، فرزند ملا محمدتقی، کمی بازیگوش بود. شبی، پدر برای نماز و عبادت به مسجد جامع اصفهان رفت. آن کودک نیز همراه پدر بود. محمدباقر در حیاط مسجد ماند و به بازیگوشی پرداخت. وی مشک پراز آبی را که در گوشه حیاط مسجد قرار داشت، با سوزن سوراخ کرد و آب آن را به زمین ریخت. با تمام شدن نماز، وقتی پدر از مسجد بیرون آمد، با دیدن این صحنه ناراحت شد. دست فرزند را گرفت و به سوی منزل رهسپار شد. رویه همسرش کرد و گفت: «می‌دانید که من در تربیت فرزندم دقت بسیار داشته‌ام! امروز عملی از او دیدم که مرا به فکرواداشت. باینکه در مورد غدایش دقت کرده‌ام که از راه حلال به دست بیاید. نمی‌دانم به چه دلیل دست به این عمل زشت زده‌است؟ حال بگوچه کرده‌ای که فرزندمان چنین کاری را مرتکب شده‌است؟». زن کمی فکر کرد و عاقبت گفت: «راستش هنگامی که محمدباقر را در رحم داشتم، یک بار وقتی به خانه همسایه رفتم، درخت اناری که در خانه‌شان بود، توجه مرا جلب کرد. سوزنی را در یکی از انارها فرو بردم و مقداری از آب آن را چشیدم». ملا محمدتقی مجلسی با شنیدن سخن همسرش، آهی کشید و به راز مطلب پی برد. (حسین مطهری، خانواده در اسلام، ص ۱۶۱).

همچنین درباره فرزند حاج شیخ فضل ... نوری که از مجتهدان بزرگ بود و در زمان مشروطه‌وی رابه دار زدند، می‌نویسند: «پرس‌شیخ فضل ... نوری از جمله کسانی بود که برای اعدام شدن پدرش، تلاش می‌کرد. یکی از بزرگان گفته بود من در زندان به ملاقات مرحوم نوری رفتم و گفتم: این پسر تو، آقا زاده، قانون وراثتش باید خیلی عالی باشد. چرا این قدر پیست شده‌است که علیه شماسعایت می‌کند و حتی راضی به اعدام شماست؟» مرحوم شیخ فضل ... نوری گفت: «بلی، خودم هم می‌دانستم و همین ترس را داشتم». سپس ادامه داد: «این بچه در نجف متولد شد. زمانی که او به دنیا آمد، مادرش بیمار شد و شیر نداشت. مجبور شدیم دایه‌ای بگیریم تا به او شیر بدهد. پس از مدتی شیر دادن، متوجه شدیم این زن آلوده است. علاوه بر این ناصبی یعنی دشمن امیرالمؤمنین^(ع) و دشمن اهل بیت^(ع) است».

شیخ فضل ... نوری گفته بود: «همان جازنگ خطر برای من زده شد». بعد اتفاقا این پسر کارش به جایی رسید که وقتی پدرش را اعدام کردند، همراه مردم نادان در پای دار کف می‌زد و این پسر، خود نیز پسری را تحویل جامعه داد که همین کیانوری، رئیس حزب توده است و پسر همان شخصی است که پای دار بابا، کف می‌زد. جدا از انحراف و رشدو هدایت، روحیات فرزندان نیز بستگی زیادی به مادر و روحیات او دارد؛ اینکه این زنزد شجاع باشد یا ترسو، مهربان و سخاوتمند باشد یا بد اخلاق و اهل خساسات. همان طور که در مورد امیرالمؤمنین گفته‌اند ایشان برای آنکه فرزند شجاعی داشته باشند، با حضرت ام‌البین^(ص) ازدواج کردند. بنابراین به آن جمله معروف می‌رسیم که از دامن زن، مرد به معراج می‌رود؛ یعنی مادر گلدان است؛ اگر گلی در بوستان فرزندان برآید و اگر فرزند صالحی تربیت شود، آن را باید مدیون مادری بود که زحمت‌های فراوان او هیچ‌گاه در پیشگاه الهی بدون جواب نمی‌ماند.

بردار و بخوان

رفتار با نعمت‌های الهی

در هنگام رجوع به منابع اصلی از آموزه‌های دینی به باب‌های مختلف حدیثی و تفسیرهای چندین جلدی از آیات قرآن و احادیث برمی‌خوریم یا ممکن است دسترسی به منابع محدود کتابخانه‌ای برایمان سخت باشد؛ هرچند که بسیاری از متون احتیاج به تخصص و تبحرنیز در شرح و تفسیر دارند. بر همین مبنا، بسیاری از افراد متخصص در حوزه علوم دینی، دست به تألیف و تقریری می‌زنند تا بتوانند در موضوع‌های مختلف، مباحث را برای ما بشکافند و شرح و بسط دهند. در همین راستا، «پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن- پژوهشگاه علوم‌و فرهنگ اسلامی» تلاش کرده است با بهره‌گیری از پژوهشگران فرهیخته و استفاده از مبانی دین مبین اسلام و آیات قرآن و روایات اهل بیت^(ع)، اثری درخو به‌منظور آموزش سبک زندگی تدوین کند تا هم کاربردی باشد و هم به‌عنوان فرهنگ‌نامه، مرجعی را در حوزه‌های گوناگون فردی، خانوادگی، اجتماعی و محیط زیست، تولید و منتشر کند.

در همین راستا کتاب «رفتار با نعمت‌های الهی براساس آموزه‌های قرآن و اهل بیت^(ع)»، اثر حجت‌الاسلام والمسلمین محمد سحرخوان، را نشر پژوهشگاه علوم‌و فرهنگ اسلامی روانه بازار نشر کرده است. این اثر در ۸۱ صفحه نوشته شده و به‌همت نشر این پژوهشگاه به چاپ رسیده است.

در این کتاب، پس از بررسی و شرح و بسط مفهوم‌شناسی سبک زندگی اسلامی و مبانی‌و گستره سبک زندگی، به بیان ویژگی‌های نعمت‌های الهی پرداخته‌شده است. سپس، انواع نعمت‌های الهی (مادی، معنوی، ظاهری و باطنی، ولایت اهل بیت^(ع)) تبیین شده است. در مباحث بعدی به «بایسته‌های رفتاری با نعمت‌های الهی» از جمله شناخت نعمت‌ها، توجه به توحید خداوند، توجه به منشأ نعمت، تسبیح خداوند، حمد پروردگار، سجده بر خداوند، عشق و محبت به خداوند، تقوا و پرهیزکاری، باگزشت به راه راست، دوری از فسادگری، فلاح و رستگاری، امیدواری، اعمال نیک، استفاده از نعمت‌های پاک، رعایت حلال و حرام و... نیز اشاره شده است و بخش دیگر به «نبایسته‌های رفتاری با نعمت‌های الهی» اختصاص دارد که به‌ریز از غفلت از نعمت‌های الهی، به‌ریز از فسادگری، به‌ریز از پیروی شیطان، به‌ریز از اسراف، به‌ریز از طغیان و سرکشی، و به‌ریز از کفران و ناسپاسی از آن جمله است. در پایان این اثر، زمینه کفران نعمت‌ها (رافاه و آسایش، ثروت، قدرت، گرفتن نعمت، گناه و ظلم) و آثار کفران نعمت‌های الهی (زوال نعمت، فحطی و گرسنگی، محرومیت از محبت‌الهی، ناامنی، سرزنش و عذاب) شرح داده شده است.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

«یادآوری عملی نعمت‌های الهی به گونه‌های

مختلف، تحقق پیدا می‌کند که در ادامه به برخی از

آن‌ها اشاره می‌شود؛ بندگی خداوند؛ یادآوری عملی

با به‌کارگیری نعمت‌ها در راستای بندگی تحقق پیدا

می‌کند. به‌کارگیری نعمت‌های پروردگار در راستای

بندگی او؛ از بهترین مصادیق سپاسگزاری از ولی نعمت

است. عبادت و نماز، دعا و روزه و احسان و انفاق در

راه خدا از بهترین نمونه‌های سیاس عملی به‌شمار

می‌آید؛ همان‌گونه که پیامبر^(ص) در برابر نعمت‌های

پروردگار (اعطای کوثر رسالت، نصرت الهی و پیروزی

دین حق) مأموریت می‌یابند تا با نماز، انفاق، تسبیح

و استغفار به شکر عملی پروردگار بپردازند.

گلستان دامان مادر



شنبه
۹ دی ۱۳۹۲
شماره ۱۴۵۰
چهارمقاله

۱۴



آشنایی با مراتب حسادت؛ ارث شوم قابیل و آفت‌های آن

از رشک تا شرک



حمیده ذاکری! بیشتر ما را هر دو توجیه رفتار یا گفتار غلطمان با خودمان گفته‌ایم که «انسان جایزالخطاست. مگر شخصی هم هست که کار اشتباهی انجام ندهد؟» هرچند این حرف واقعیت دارد، به معنی توجیه کارهای اشتباه ما نیست؛ به‌خصوص که رفتارهای غلطی هستند که برپایه آیات و روایات، می‌توانند به اندازه‌ای مخرب باشند که منشأ بزرگ‌ترین گناهان بشر شوند. همه ما تقریباً با داستان هابیل و قابیل و حسادتی که به نخستین قتل در روی زمین منجر شد، آشنا هستیم. ریختن خون هابیل به بی‌گناه و ندامت قابیل پس از انجام این گناه بزرگ، کافی است تا دریابیم برخی بیماری‌های روحی تا چه اندازه می‌توانند به ما آسیب بزنند. علما روی منبرها از حسد به‌عنوان آتش یاد کرده‌اند. آتشی که می‌تواند انسان و زندگی‌اش را از بین ببرد و تنها راه خلاصی از آن، تقویت ایمان و پناه بردن به خداوند متعال است. بنابراین ما هم با رجوع به منابر آن‌ها، بیشتر در این باره می‌خوانیم.



حسود به حکمت خدا، معترض است

مسلمان همیشه محبوب نیست. گاهی همسایه و گاهی برادر به او حسادت می‌ورزند و بیشتر افراد، گرفتار این حسادت‌ها و تنگ‌نظری‌ها هستند، به‌خصوص اگر به انسان نعمتی از مادیات یا معنویات اختصاص یابد، مشمول حسادت نزدیکانش واقع می‌شود. حسادت، خوی زشت شیطانی است که بر اثر عوامل گوناگونی مثل ضعف ایمان، تنگ‌نظری و بخل در وجود انسان رخنه می‌یابد. حسادت، به معنای درخواست و آرزوی زوال نعمت از دیگری است؛ اینکه آرزو می‌کند آن نعمت از دیگران گرفته شود و برای تحقق این آرزو از هیچ تلاش قولی و فعلی فروگذار نمی‌کند. این حالت بسیار مذموم، «حسد» نام دارد و یکی از صفات زشتی است که می‌تواند سرچشمه قتل، تجاوز و تعدی و سایر پیامدهای خطرناک در جهان شود. حسد سرچشمه بسیاری از گناهان کبیره است. از منظر امام باقر^(ع)، حسادت، ایمان انسان را می‌خورد؛ همان‌گونه که آتش، هیزم را از بین می‌برد. (بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۹۴). حسودان همیشه یکی از موانع راه انبیا و اولیا بوده‌اند. لذا قرآن کریم به پیامبرش دستور می‌دهد که از شر حسادان به خدا و رب فلق و رب ناس پناه ببرد. از نظر معنوی، حسد نشانه کمبود شخصیت و کوتاهی فکر و ضعف و نقص ایمان است؛ زیرا حسود خود را ناتوان‌تر از آن می‌بیند که به مقام محسود و بالاتر از آن برسد، پس سعی می‌کند محسود را به عقب برگرداند. علاوه بر اینکه او عملاً به حکمت خداوند که بخشنده اصلی نعمت‌ها و تقسیم‌کننده آن هاست، معترض است و به اعطای نعمت به افراد انتقاد دارد. لذا امام صادق^(ع) فرموده‌اند: «حسد و بدخواهی، ناشی از تاریکی قلب و کوردلی است و از انگار حسد، خدا به افراد، سرچشمه می‌گیرد و این دو بال کفر هستند. به سبب حسادت بود که فرزند آدم در یک حسرت جاودانی فرو رفت و به ورطه‌ای افتاد که هرگز از آن رهایی نیافت». (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۸).

درس اخلاق آیت‌ا... العظمی مکارم شیرازی.



حسد به آسانی درمان نمی‌شود

حسد آفت است؛ البته این طوری نیست که به‌سادگی بشود این آفت را علاج کرد. سخت است. این طوری هم نیست که انسانی به این راحتی بگوید من مبتلا به آفت نیستم؛ چون ما خیلی وقت‌ها یک کاری را انجام می‌دهیم، ولی «زیان‌کارترین (مردم) آن‌ها هستند که (عمرو) تلاششان در راه دنیای فانی تباه شد و به خیال باطل می‌پنداشتند که نیکوکاری می‌کنند». (آیه ۱۰۴، سوره کهف). فکر می‌کنیم و یک دلیلی می‌یابیم و گمان می‌کنیم از باب حسد نیست، ولی اگر خودمان دقت کنیم و «بلکه انسان خود بر (نیک و بد) خویش به خوبی بیناست» (آیه ۱۴ سوره قیامت)، خودمان می‌دانیم که برای چه نیتی این کار را انجام می‌دهیم. آیا از باب انجام تکلیف و وظیفه الهی بود یا می‌خواستیم حساب این فرد را برسیم؟ اینکه انسان بتواند حسد را از دلش بیرون کند، کاری است که به ریاضت احتیاج دارد. حسد همان‌گونه که در روایات وارد شده است، ایمان را باسرعت می‌خورد و از بین می‌برد؛ همان‌طور که آتش این حطب را. این‌کاه را، این چیزی را که زود شعله‌ور می‌شود، می‌خورد و از بین می‌برد و آن وقت است که ایمان‌های ما، ایمان‌های عاریتی می‌شود. دین لقلقه زبان می‌شود. «به‌راستی که مردم، بنده دنیا هستند و دین لقلقه زبان آن‌هاست. تاجایی‌که دین وسیله زندگی آن‌هاست؛ دین دارند و چون در معرض امتحان قرار گیرند، دین‌داران کم می‌شوند» (امام حسین^(ع)، تحف العقول، ص ۲۴۵).

آیت‌ا... مهدی هادوی تهرانی؛ ۱۹ فروردین ۱۳۹۳.



حسد، تمنای زوال نعمت برای دیگری است

امام حسن مجتبی^(ع) می‌فرماید: هلاکت و نابودی مردم در سه چیز است؛ کبر و حرص و حسد؛ تکبر که به سبب آن، دین از بین می‌رود و به‌واسطه آن، ابلیس، مشمول لعنت قرار گرفت. حرص که دشمن جان آدمی است و به سبب آن، آدم از بهشت رانده شد. حسد که سرشته همه بدی هاست و به‌واسطه آن قابیل، هابیل را کشت.

حسد دارای چهار مرتبه است و هر مرتبه درجانی دارد.

هم حسود و هم محسود دو نعمت عین هم را دارند، اما حسود می‌خواهد که دیگری آن نعمت را نداشته باشد. (یکی از حالاتی که می‌گوییم حسد ریشه در خشم و غضب دارد. اینجا ست که فرد خودش عین نعمت را دارد، اما دلش می‌خواهد آن دیگری اذیت شود. در دلش کینه دارد و این‌ها ناشی از خشم و غضب است).

محسود نعمتی را دارد و حسود فارغ از اینکه آن نعمت را داشته باشد یا نه، می‌گوید من نمی‌خواهم فلا نی هم این نعمت را داشته باشد. این دو مرتبه از حسد، پست‌ترین و زشت‌ترین و شدیدترین مراتب آن هستند.

محسود نعمتی را دارد و حسود فاقد آن است و می‌گوید من دقیقاً همان نعمتی را می‌خواهم که در دست اوست. اگر مثلاً (دقیقاً عین) همان نعمت را هم برایش بیاورند، راضی نیست. پس با این حساب، باید حتماً آن نعمت از محسود گرفته شود و دقیقاً همان را به حسود بدهند و این مستلزم سلب شدن آن نعمت از محسود است. (این نمونه از حسد، ریشه در شهوت دارد. حسود حرص به داشتن نعمتی را در دل دارد و درکنارش، آرزوی زوال آن را از دیگری در دل می‌پروراند).

محسود دارای نعمتی است و حسود فاقد آن است و به داشتن مثل آن نعمت هم راضی است، اما چون شرایط و امکانات دست‌یابی به آن نعمت را ندارد، می‌گوید پس تو هم نداشته باش. در این مرتبه از حسادت، حسود چون می‌بیند اگر محسود آن نعمت را داشته باشد بر او برتری می‌یابد، می‌گوید پس تو هم نداشته باش!

نوع برخورد افراد متفاوت است؛ در یک سرطیف، دسته‌ای هستند که برای زایل شدن نعمت از فردی، دست به هر تلاشی می‌زنند و در سر دیگر طیف، آنانی هستند که به‌صورت عقلی و منطقی متوجه زشتی این ردیله هستند. اما اگر نعمت از فردی گرفته شود، دلشان خنک می‌شود انگار! این‌ها هم مبتلایان به حسدند.

مرحوم آیت‌ا... مجتبی تهرانی؛ بهمن ۱۳۹۳.



حسد، سد راه خیر می‌شود

در تاریخ، داستان از حرص، تکبر و حسادت شروع شد. روایت داریم ریشه همه گناهان سه چیز است؛ «تکبر، حرص و حسادت؛ شیطان تکبر ورزید و از بهشت رانده شد. حضرت آدم^(ع) حرص ورزید، ترک اولی کرد و از بهشت بیرون رانده شد و قابیل به هابیل حسادت کرد و او را کشت». پس اولین قتل در تاریخ، به دلیل حسادت بوده است. برادران یوسف^(ع) نیز به دلیل حسادت، او را در چاه انداختند. بعضی صفات ردیله در درون ما ریشه دارد، ولی بروز داده نمی‌شود. اگر بروز داده نشود، گناه محسوب نمی‌شود. اگر در برابر شخصی کینه یا حسادت یا سوء ظن داشتیم ولی رفتاری از خودمان بروز ندادیم، گناه محسوب نمی‌شود. حسد پنهان، گناه نیست ولی بیماری است؛ زیرا به انسان لطمه می‌زند. روایت داریم سلامت بدن از (دستاوردهای کمی حسادت می‌ورزند لطمه بزنن). به خود فرد حسود لطمه می‌زنی. برادران یوسف^(ع) بیشتر از یوسف رنج بردند. همچنین از حضرت امیر^(ع) در غرر الحکم آمده است که حسود هرگز نیا سود. روایت داریم که حسد، نیکي‌ها را می‌خورد، همان‌طور که آتش، هیزم را می‌خورد. وقتی انسان حسود است، نمی‌تواند در کارهای خوب شرکت کند. نمی‌تواند در نماز حضور قلب داشته باشد. در واقع حسد، سد راه خیر می‌شود. راه مبارزه با حسد این است که انسان به آثار آن فکر کند. در ضمن سعی بشود این حسد پنهانی، آشکار نشود و کم‌کم با آن حسد پنهانی هم مبارزه شود. فیض‌کاشانی معتقد است راه مبارزه با حسد، روی آوردن به کار متضاد آن است؛ یعنی مثلاً فردی که بغیل است، برخلاف میل خودش باید جود داشته باشد.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر رفیعی؛ ۲۸ دیبهشت ۱۳۹۲.



قرآن، درمانگر امراض روحی و اخلاقی انسان است

باید در قرآن کریم دقت کرد و دید که خداوند درباره ریا، فتنه، غرور، کبر، حرص، بخل و حسد چه نظری دارد. وقتی آدم نظر پروردگار را به دقت بفهمد، حاضر نیست برای یک لحظه هم بگذارد که این بیماری‌ها در خودش بماند. حسد یکی از بدترین این بیماری‌هاست. مرد یا خانمی که توان و تحمل بهره‌مندی نعمت خدا را در دست دیگران نذارند، در فشار روحی است که چرا خواهرم، برادرم، همسایه‌ام، فلان قوم و خویشم، خانه‌اش را بازسازی کرد؟ ای کاش روی سرخودش وزن و بچه‌اش خراب می‌شد! چرا فلان شخص، چنین مغازه آباد و پر مشتری‌ای دارد؟ ای کاش یک روز صبح بیاید و ببیند کل مغازه‌اش آتش گرفته و خاکستر شده است! چرا فلا نی برای پسرش، چنین عروس بزرگوار ی از خانواده‌ای متین گرفته است؟ ای کاش، این عروس یک شب سکنه کند و بمیرد! وقتی حسد به‌کار گرفته می‌شود، زندگی‌ها را به آتش می‌کشد. حسود خودش نمی‌تواند آرام باشد و نمی‌گذارد دیگران نیز آرام باشند. این بیماری خیلی عجیب است. پروردگار به پیغمبری که قوی‌ترین روح جهان هستی است، در قرآن کریم می‌گوید: «از شر حسد به من پناه بیاور». یعنی هیچ قدرت دیگری نیست که این خطرا را دفع کند و فقط من هستم که می‌توانم دفع کنم؛ و «و منْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» (سوره فلق، ۵).

استاد انصاریان؛ ۹ دی ۱۳۹۷.

